

ألفیه سیوطی
در مصطلح حدیث
«نظمُ الدُّرِّرِ فی عِلْمِ النَّثْرِ»

نظم

حافظ جلال الدین سیوطی

(متوفی ۹۱۱ هـ)

شروح

سید مسلم تفتدار

مدرسه امیریہ

جزیرہ قشتم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المُوصُولُ وَالْمُنْقَطِعُ وَالْمُعْضَلُ

- ١٣٤ - مَرْفُوعًا أَوْ مَوْفُوقًا إِذْ يَتَّصِلُ إِسْنَادُهُ: الْمُوصُولُ وَالْمُتَّصِلُ
١٣٥ - وَوَاحِدٌ قَبْلَ الصَّاحِبِ سَقَطَ مُنْقَطِعٌ، قِيلَ: أَوِ الصَّاحِبِ قَطْ
١٣٦ - مُنْقَطِعٌ مِنْ مَوْضِعَيْنِ اثْنَيْنِ لَا تَوَالِيًا وَمُعْضَلٌ حَيْثُ وَلَا
١٣٧ - وَمِنْهُ حَذْفُ صَاحِبٍ وَالْمُصْطَفَى وَمَثْنُهُ بِالتَّابِعِيِّ وَقِفَا

المُرْسَلُ

- ١٣٨ - المُرْسَلُ المَرْفُوعُ بِالتَّابِعِ، أَوْ ذِي كِبَرٍ، أَوْ سَقَطَ رَاوٍ قَدْ حَكَّوْا
١٣٩ - أَشْهَرُهَا الْأَوَّلُ، ثُمَّ الْحُجَّةُ بِهِ رَأَى الْأَيْمَةَ الثَّلَاثَةَ
١٤٠ - وَرَدَّهُ الْأَقْوَى، وَقَوْلُ الْأَكْثَرِ كَالشَّافِعِيِّ، وَأَهْلُ عِلْمِ الْحَبَرِ
١٤١ - نَعَمْ بِهِ يُجْتَنَّبُ إِنْ يَعْتَضِدِ بِمُرْسَلٍ آخَرَ أَوْ بِمُسْنَدِ
١٤٢ - أَوْ قَوْلِ صَاحِبٍ أَوْ الْجُمْهُورِ أَوْ قَيْسٍ وَمِنْ شُرُوطِهِ كَمَا رَأَوْا
١٤٣ - كَوْنُ الَّذِي أَرْسَلَ مِنْ كِبَارِ وَإِنْ مَسَى مَعَ حَافِظِ بُجَارِي
١٤٤ - وَلَيْسَ مِنْ شَيْخِهِ مَنْ ضَعَّفَا كَنْهِي بَيْعِ اللَّحْمِ بِالْأَصْلِ وَقَا
١٤٥ - وَمُرْسَلُ الصَّاحِبِ وَضَلُّ فِي الْأَصْحِ كَسَامِعٍ فِي كُفْرِهِ ثُمَّ اتَّضَحَ
١٤٦ - إِسْلَامُهُ بَعْدَ وَفَاةٍ، وَالَّذِي رَأَاهُ لَا مُمَيِّزًا لَا تَحْتِ ذِي

الْمَوْصُولُ وَالْمُنْقَطِعُ وَالْمُعْضَلُ

۱۳۴ - مَرْفُوعًا أَوْ مَوْقُوفًا إِذَا يَتَّصِلُ إِسْنَادُهُ: الْمَوْصُولُ وَالْمُتَّصِلُ

مرفوع یا موقوف هرگاه سند آن متصل شد موصول یا متصل است.

شرح:

حدیث متصل حدیثی است که در سلسله رجال آن انقطاعی رخ نداده باشد به تعبیری دیگر: راوی اول از راوی دوم، و راوی دوم از راوی سوم شنیده باشد و به همین ترتیب، بنابراین حدیث مرفوع امکان دارد متصل یا منقطع باشد اگر متصل بود گفته می‌شود مرفوع متصل. موقوف نیز چنین است اما مقطوعی که سند آن متصل باشد مقطوع متصل گفته نمی‌شود زیرا در لفظ با همدیگر تضاد دارند.

۱۳۵ - وَوَاحِدٌ قَبْلَ الصَّحَابِيِّ سَقَطَ مُنْقَطِعٌ، قِيلَ: أَوِ الصَّاحِبِ قَطْ

اگر یک نفر قبل از صحابی ساقط شود منقطع است، و گفته شده: یا فقط صحابی ساقط شود.

شرح:

هرگاه قبل از صحابی در یک مکانی از سند انقطاعی رخ دهد یا در دو مکان انقطاع وجود داشته باشد اما آن دو انقطاع کنار هم نباشند منقطع نامیده می‌شود.

قوله: «أَوِ الصَّاحِبِ قَطْ»: بعضی گفته‌اند: اگر صحابی ساقط شود نیز

منقطع نامیده می‌شود با این تعریف، منقطع شامل مرسل نیز می‌شود.

۱۳۶ - مُنْقَطِعٌ مِنْ مَوْضِعَيْنِ اثْنَيْنِ لَا تَوَالِيًا وَمُعْضَلٌ حَيْثُ وَلَا

۱ . همزه ضرورتا وصل تلفظ زده می‌شود.

۲ . همزه ضرورتا وصل تلفظ زده می‌شود.

اگر از دو موضع ساقط شود که پشت سر هم نباشد منقطع است و معضل اگر دو نفر پیاپی ساقط شوند.

شرح:

اگر دو نفر یا بیش تر پیاپی حذف شوند معضل نامیده می شود و اگر دو نفر یا بیش تر بشرط عدم توالی ساقط شوند منقطع نامیده می شود.

۱۳۷ - وَمِنْهُ حَذْفُ صَاحِبِ وَالْمُصْطَفَى وَمَتْنُهُ بِالتَّابِعِيِّ وَقَفَا

و از معضل است حذف صحابی و رسول الله صلی الله علیه و سلم و متن آن به تابعی متوقف باشد.

شرح:

حاصل این بیت: از معضل محسوب می شود اگر صحابی حذف شود و رسول الله صلی الله علیه و سلم نیز نام برده نشود. ناظم رحمه الله به تبع از حافظ عراقی چنین اطلاق کرده است. اما لابد است که آن حدیث نزد آن تابعی از جهت دیگر مرفوع متصل باشد تا طریق اول را معضل بدانیم و اگر نه ممکن است کلام خود تابعی باشد که در این صورت مقطوع نامیده می شود یا ممکن است تابعی از اسرائیلیات نقل کرده باشد. پس آنچه امام نووی در تقریب تعبیر آورده بهتر است و آن اینکه هرگاه تابع تابعی از تابعی حدیثی را روایت کند و آن حدیث را نزد او متوقف سازد و آن حدیث نزد آن تابعی از طریق دیگر مرفوع متصل باشد پس آن معضل می شود.

مثال آن: ما رُوِيَناهُ عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ الشَّعْبِيِّ، قَالَ: يُقَالُ لِلرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَمِلْتَ كَذَا وَكَذَا، فيقولُ: ما عَمِلْتُه فَيُخْتَمُ عَلَيهِ ... الحديث^۱. أعمش آن را معضل روایت کرده است. همین حدیث نزد شعبی^۲

۱ . حاکم در معرفة علوم الحديث ۳۸ .

۲ . به روایت مسلم ۲۹۶۹ .

از انس رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و سلم مسند روایت شده
است.

الْمُرْسَل

۱۳۸ - الْمُرْسَلُ الْمَرْفُوعُ بِالتَّابِعِ، أَوْ ذِي كِبَرٍ، أَوْ سَقَطَ رَاوٍ قَدْ حَكَمُوا

مرسل حدیثی است که تابعی مرفوع کند یا (بعضی گفته‌اند که) تابعی کبیر (مرفوع کند)، یا (بعضی گفته‌اند که) یک راوی ساقط باشد (علما چنین تعریفاتی را) حکایت کرده‌اند.

شرح:

تعریف مشهور و برگزیده حدیث مرسل: اگر تابعی حدیثی را به رسول الله صلی الله علیه و سلم نسبت دهد فرقی ندارد که تابعی کبیر^۱ باشد یا صغیر^۲.

بعضی گفته‌اند: اگر تابعی کبیر روایتی را به رسول الله صلی الله علیه و سلم نسبت دهد مرسل نامیده می‌شود و اگر تابعی صغیر روایتی را به رسول الله صلی الله علیه و سلم نسبت دهد منقطع می‌شود.

بعضی گفته‌اند: اگر یک راوی یا بیش‌تر از یک راوی ساقط شود مرسل نامیده می‌شود و این عبارت جمهور فقها و اصول‌دانان است. پس در این تعریف: مرسل شامل منقطع و معضل می‌شود.

بنابراین مرسل نزد فقها و اصول‌دانان هر روایتی است که در آن انقطاع صورت گرفته باشد خواه این انقطاع در اول یا وسط یا آخر باشد و خواه در یک مکان یا بیش‌تر باشد و خواه پیاپی یا جدا جدا باشد.

^۱ . تابعی کبیر: کسانی هستند که بسیاری از اصحاب را دریافته‌اند و اکثر روایت آنان از ایشان است، همانند: سعید بن مسیب.

^۲ . تابعی صغیر: کسانی هستند که اندکی از اصحاب را دریافته‌اند یا اصحاب بسیاری را دریافته‌اند اما اکثر روایات آنان از بزرگان تابعین است و از صحابه بطور مستقیم روایت نکرده‌اند مگر احادیث اندکی، همانند: ابن شهاب زهری و یحیی بن سعید انصاری.

۱۳۹ - أَشْهَرُهَا الْأَوَّلُ، ثُمَّ الْحُجَّةُ بِهِ رَأَى الْأَئِمَّةَ الثَّلَاثَةَ

مشهورترین اقوال، قول اولی است. سپس ائمه سه گانه (امام ابوحنیفه، امام مالک و امام احمد) حدیث مرسل را حجت می دانند.

شرح:

قوله: «أَشْهَرُهَا الْأَوَّلُ»، یعنی: مشهورترین تعریف حدیث مرسل همان تعریف اولی است که گفت: «الْمُرْسَلُ الْمَرْفُوعُ بِالتَّابِعِ».
قوله: «ثُمَّ الْحُجَّةُ بِهِ رَأَى الْأَئِمَّةَ الثَّلَاثَةَ»: نزد امام ابوحنیفه و در روایتی از امام احمد و همچنین در قول مشهور از امام مالک، حدیث مرسل حجت است.

۱۴۰ - وَرَدُّهُ الْأَقْوَى، وَقَوْلُ الْأَكْثَرِ كَالشَّافِعِيِّ، وَأَهْلِ عِلْمِ الْحَبَرِ

رد احتجاج به حدیث مرسل قوی تر است و این قول اکثر علما است همانند امام شافعی و اهل علم حدیث.

شرح:

امام شافعی و اهل حدیث، مرسل را حجت نمی دانند زیرا حذف شده معلوم نیست که صحابی است یا شخص دیگر، اگر صحابی باشد که مشکلی نیست زیرا صحابه همگی عادل هستند اما اگر غیر صحابی باشد مجهول است و روایت مجهول مردود است. آنچه گفتیم اصل در مرسل است اما گاهی حدیث مرسل تقویت می شود و به آن احتجاج کرده می شود در بیت بعدی ناظم رحمه الله به آن ها اشاره می کند.

۱۴۱ - نَعَمْ بِهِ يُجْتَجَعُ إِنْ يَعْتَصِدَ بِمُرْسَلٍ آخَرَ أَوْ بِمُسْنَدٍ

بله! به حدیث مرسل احتجاج کرده می شود اگر با مرسل دیگری یا با مسند دیگری تقویت شود.

شرح:

شرایط احتجاج به مرسل:

(۱) مرسل دیگری آن را تقویت کند.

(۲) مرفوع متصلی آن را تقویت کند.

یعنی: یک حدیث مسندی از طریق دیگر بیاید فرقی ندارد که صحیح، حسن یا ضعیف باشد. بنابراین مسند اگر صحیح یا حسن باشد صحیح بودن مرسل معلوم می‌گردد در نتیجه اگر این دو با حدیث مسند دیگری که از یک طریق وارد شده تعارض پیدا کردند، این دو بر حدیث مسند که از یک طریق آمده ترجیح داده می‌شوند.

و اگر آن حدیث مسند، ضعیف باشد مرسل و مسند ضعیف بازوی همدیگر را می‌گیرند و همدیگر را تقویت می‌کنند و قوی می‌گردانند.

۱۴۲ - أَوْ قَوْلِ صَاحِبٍ أَوْ الْجُمْهُورِ أَوْ قَيْسٍ. وَ مِنْ شُرُوطِهِ كَمَا رَأَوْا

یا با قول صحابی یا با قول جمهور یا با قیاس (تقویت شود)، و از شروط احتجاج به مرسل که محققین اعتقاد دارند...

شرح:

ادامه شرایط احتجاج به مرسل:

(۳) با قول صحابی موافق شود.

(۴) با فتوای جمهور علما موافق شود.

(۵) با قیاس موافق شود. مثال آن: امام شافعی از ثقه از زهری روایت

کرده که گفت: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْمُرُ الْمُؤَدِّينَ فِي الْعِيدِ فَيَقُولُونَ الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ». حافظ در فتح الباری گفته است: این مرسل است که قیاس بر نماز کسوف آن را تقویت می‌کند زیرا «الصلاة

جامعه» در کسوف به روایت بخاری ۱۰۴۵ از رسول الله صلی الله علیه و سلم وارد شده است.

قوله: «وَمِنْ شُرُوطِهِ كَمَا رَأَوْا»: پنج شرطی که بیان شد در حدیث مرسل بود اما راوی ارسال کننده نیز باید شروطی داشته باشد تا اینکه ارسالش پذیرفته شود. ناظم رحمه الله در بیت بعدی آن‌ها را ذکر خواهد کرد:

۱۴۳ - كُونُ الَّذِي أَرْسَلَ مِنْ كِبَارٍ وَإِنْ مَشَى مَعَ حَافِظٍ يُجَارِي

آن کسی که ارسال می‌کند از کبار تابعین باشد و (آن کسی که ارسال می‌کند) اگر (در حدیثش) با حفاظ می‌رود با حفاظ موافقت می‌کند.

شرح:

شروط ارسال کننده:

(۱) ارسال کننده از کبار تابعین باشد.

(۲) هرگاه حفاظی که امین هستند (در روایت حدیث) با او مشارکت داشته باشند با او مخالفت نمی‌کنند. یعنی: اینکه راوی ارسال کننده، ضابطی است که ضبط وی کامل است به گونه‌ای که هرگاه راویان ضابط (در روایت) با او مشارکت کنند با روایتش موافقت می‌کنند.

۱۴۴ - وَلَيْسَ مِنْ شَيْئُوخِهِ مَنْ ضَعُفًا كَنْهِيَ بَيْعَ اللَّحْمِ بِالْأَصْلِ وَقَا

و از شیوخش کسی نباشد که ضعیف باشد، مانند نهی فروش گوشت به حیوان، (این یک مثال) تکمیل است (و نیازی به مثال‌های دیگر نیست).

شرح:

ادامهٔ شروط ارسال کننده:

(۳) هرگاه کسی که از او ارسال کرده را نام ببرد، شخص ثقه‌ای را نام می‌برد. یعنی: هرگاه از نام راوی که آن را حذف کرده پرسیده شود قطعاً نام شخص ثقه‌ای را ذکر می‌کند.

قوله: «كُنْهِيَ بَيْعَ اللَّحْمِ بِالْأَصْلِ وَقَا»؛ مثال به مرسلی است که شروط مذکور را دارا است. این حدیث را امام شافعی رحمه الله روایت کرده همان‌گونه که در مختصر مزنی آمده است: أَخْبَرَنَا مَالِكٌ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " نَهَى عَنْ بَيْعِ اللَّحْمِ بِالْحَيَوَانِ "، وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: " أَنَّ جَزُورًا نُحِرَتْ عَلَى عَهْدِ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَجَاءَ رَجُلٌ بِعَنَاقٍ فَقَالَ: أَعْطُونِي جُزْءًا بِهَذِهِ الْعَنَاقِ. فَقَالَ: أَبُو بَكْرٍ: لَا يَصْلُحُ هَذَا ".

و قاسم بن محمد، سعید بن المسیب، عروه بن الزبیر و ابو بکر بن عبد الرحمن فروش گوشت به حیوان را منع دانسته‌اند. امام شافعی گفته است: به این حدیث می‌گیریم. ما احدی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم را نمی‌شناسیم که در این باره با ابوبکر صدیق رضی الله عنه مخالفت کند و ارسال سعید بن المسیب نزد ما حسن است. انتہی.

۱۴۵ - وَمُرْسَلُ الصَّاحِبِ وَضَلُّ فِي الْأَصْحِ كَسَامِعٍ فِي كُفْرِهِ ثُمَّ اتَّضَحَ

بنابر قول اصح، مرسل صحابی متصل است مانند کسی که در حالت کفرش شنیده سپس (مسلمان شود و) ظاهر شود...

۱۴۶ - إِسْلَامُهُ بَعْدَ وَقَاةٍ، وَالَّذِي رَأَاهُ لَا مُمَيِّزًا لَأَتَحْتَ ذِي

اسلامش بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و سلم، و آن صحابی که رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیده اگر غیر ممیز بوده است تحت

این حکم قرار نمی‌گیرد (یعنی: مرسل صحابی محسوب نمی‌شود بلکه همانند سایر مراسیل است).

شرح:

مرسل صحابی: اگر یکی از صحابه از رسول الله صلی الله علیه و سلم چیزی روایت کند سپس دلائل دلالت دهند بر اینکه او از رسول الله صلی الله علیه و سلم نشنیده است مثلاً در آخر حیات رسول الله صلی الله علیه و سلم مسلمان شود و واقعه‌ای را حکایت کند که در صدر بعثت اتفاق افتاده است پس مسلم است که حادثه را شاهد نبوده بلکه از کسی دیگر آن را شنیده است.

محدثین متفق‌اند که مرسل صحابی حکم مرفوع دارد از این جهت که آن صحابی از صحابی دیگر شنیده است و اصحاب همگی عادل هستند. از اموری که حکم رفع می‌گیرد این است که شخص به سن تمییز رسیده و اهل تحمل در حالت کفر از رسول الله صلی الله علیه و سلم چیزی را بشنود سپس بعد از وفات او صلی الله علیه و سلم مسلمان شود و آن را روایت کند مانند تنوخی نامه‌رسان هرقل، پس او تابعی محسوب می‌شود اما حدیثش مرفوع است زیرا اگر چه هنگام تحمل – به سبب کفر – عادل نبوده است اما هنگام ادا کردن عادل گردیده است برخلاف کسی که در کم‌تر از سن تمییز، رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیده باشد مانند محمد بن ابی بکر صدیق که صحابی محسوب می‌شود اما حدیثش مرسل است.